

نعل زدن اسب معمول شده؟

کف پرند آلهم برای محالوده سلطنته .

در راه دریای شمال

حرکت یگمه از ناوگان دولت های متخاصم

دولت های متخاصم اکنون خیلی زیاد متوجه دریای شمال شده و تقریباً میتوان گفت که قسمت عمده نیروی هوایی و دریایی خود را در آن دریا بکار انداخته اند. و هر يك با این نیروها برای گرفتن سواحل پراهمیت این دریا بر یکدیگر سبقت جسته و فعالیت زیادی به خرج میدهند. در یکی از روزهای ماه آوریل برای گرفتن قسمت مهمی از ساحل دریای مزبور عده زیادی سرباز بفرمان فرماندهی کل ارتش آلمان سوار چندناو بر سر جبهه ای شده و به سمت چندین ناو کوچکتر بطرف ساحل مزبور حرکت کردند من هم در یکی از رزمناو ها من مزبور نشسته و با آنها حرکت نموده عده ای هواپیما نیز ناو های مارا همراهی نموده و برای جلوگیری از حملات نیروی هوایی دشمن بناوگان ما در فاصله چند میلی از ناوهای ما آهسته پرواز میکردند.

هر قدر که ما از سواحل خودی دور میشدیم هوای تیره و تاریک و دریای طوفانی تر میگردد و امواج دریا بدست بکشتی خورده و آن را بکشتی تکان میداد. باد سخت و شدیدی وزیده و آب دریا را تا فردیکی سطح کشتی بالا می آورد سربازان زیادی که تا اند ازهای سبب بکشتی بیگانه بودند ابتدا در سطح آن جمع شده و امواج دریا را تماشا میکردند ولی کم کم از تماشای امواج مزبور غش شده و باطاق های مخصوص خود که در زیر سطح کشتی قرار گرفته بود مراجعت مینمودند آنها را در این موقع کاری نداشتند و میتوانستند استراحت نمایند ملوانان کشتی نیز بکار خود مشغول بوده و وظایفشان را انجام میدادند. ناوهای ما به سرعت زیادی بطرف مقصود حرکت میکردند. در آسمان از دور قاطع سیاه رنگی ظاهر شد این قاطع فوراً جلب توجه پشتهای دیده بان هوایی را نمود و پس از ملاحظه با دوربین و وسایل دیگر معلوم شد که آنها هواپیما بوده و متعلق بدشمن هستند که ظاهراً برای بمباران ناوهای ما آمده اند.

در این موقع رنگ های اعلام خطر هوایی فرگشتی زده شد و در میان ملوانان همچان واضطرار زیادی تولید گردید. عده ای که مأمور توبه های ضد هوایی بودند فوراً شروع بکار کرده و لوله های توپها رو بآسمان بلند شده و هلیک آنها شروع گردید. در حالیکه گلوله توپهای ضد هوایی از اطراف هواپیما ها در آسمان رد می شدند بمب های آنها را همراهی در میان ناوهای ما در آب افتاد. در اینجا باید دانست که هواپیما ها در حملات بناوها و کشتیهای بازرگانی در دریا موقعیت زیادی نمیتواند بدست آورند زیرا وسایل دفاعی ناوهای مزبور هر قدر هم که قوی باشند مانند وسایل دفاعی زمینی نبوده و هواپیما ها بهتر میتوانند بمب های خود را پرتاب نمایند ولی بکشتیهای ما آسبی نرسید آب دریا دایر الضمار بهیما بطرف بالا پرتاب شده و تکانهای سختی را در ناوهای ما تولید نمودند. در این موقع هواپیما های ما از عقب رسیده و هواپیماهای دشمن چون عده ها از آنها کمتر بود دیگر توقف را جائز ندیده و فرار کردند هواپیماهای خودی نیز تا فاصله زیادی

یوگوسلاوی و کلاهای صادر و وارد آن

بلگراد - آوریل

ایجاد سازمان مخصوصی در لندن برای بررسی عملیات بازرگانی با کشورهای بالکانی و دانوبی، همچنین رایزنی های نمایندگان سیاسی فرانسه و انگلیس مأمور جنوب شرقی اروپا در لندن و پاریس توجه کامل محافل دولتی یوگوسلاوی را جلب نموده و امکان را عقیده بر آنست که این اقدامات نشانه بارزی از اراده متفقین بر برقرار ساختن روابط بازرگانی تازه با کشور های جنوب شرقی اروپا می باشد اگر نظری باوضاع بازرگانی چند سال اخیر اروپا بیفکنیم، باسانی درک خواهیم نمود که آلمان در بین تمام کشور های وارد کننده محصولات کشاورزی و مواد خام کشور های دانوبی، رتبه نخست را حاز می باشد و این وضعیت فقط چند سالی است که برقرار شده است. و بویژه بازارهای آلمان بهترین مراکز فروش کلاهای یوگوسلاوی محسوب میگردد خلاصه آنکه اکنون از همه جهت توجه کامل زمامداران کشور های متخاصم به دولتهای جنوب شرقی اروپا معطوف شده است و هر کدام سعی دارند بر تشدید مراتب دوستی و تقویت روابط بازرگانی خویش با آن کشور ها بفرمایند.

بازرگانی خارجی یوگوسلاوی
برای آنکه وضعیت بازرگانی خارجی یوگوسلاوی را خوب ترسیم کرده باشیم، لازمست بازاریهای که در این خصوص انتشار یافته توضیح کنیم: فرستاده های یوگوسلاوی بالان که در سال ۱۹۳۵ فقط ۷۵۱ میلیون و ۵ هزار دینار بود در سال ۱۹۳۶ به ۱۰۳۹ میلیون رسید و در سال ۱۹۳۷ بالغ بر ۱۳۶۱ میلیون شد و در ۱۹۳۸ متجاوز از ۱۸۱۳ میلیون و ۸ دینار گردید و این حداکثر بازرگانی خارجی ایندو کشور بوده است.

در سال ۱۹۳۹ اگرچه بواسطه وقوع جنگ و عدم انتظام وسائل باربری اندک تقلیلی روی داد، لیکن باز معادل ۱۵۷۶۲ میلیون دینار میشد. رسیده های آلمان یوگوسلاوی در عرض پنج سال اخیر به قدری بوده است. در سال ۱۹۳۵: پانصد و نود و هشت میلیون دینار. در سال ۱۹۳۶: ۱۰۸۷۲ میلیون و ۶۵ هزار دینار. در سال ۱۹۳۷: ۱۶۹۴۱ میلیون و چهار هزار دینار. در سال ۱۹۳۸: هزار و شصت و هجده میلیون دینار. در سال ۱۹۳۹: ۲۰۶۶۸ میلیون و سه هزار دینار. بطوری که ملاحظه میشود از نظر رسیده های آلمان یوگوسلاوی سال ۱۹۳۹ مهمترین است و مقدار رسیده ها بر تراز فرستاده میشد بطوریکه بیکره فرستاده هالاز ۳۱ و ۹۱ درصد ترقی کرده و حال آنکه رسیده ها ۴۷ و ۶۹ درصد رسیده است. از طرف دیگر فرانسه نیز مقام مهمی را در فرستاده های یوگوسلاوی حاز شده زیرا در ۱۹۳۸ مقدار آن فقط ۷۵ میلیون بود، در صورتیکه در سال ۱۹۳۹ به ۱۴۰ میلیون و سه هزار دینار بالغ شد.

کار فکری و اراده

کتاب دوم - اصول روانشناسی روش کار

بخش اول: دقت اهمیت دقت

اینکه که بدین مرحله رسیدیم باید بدانیم مداخله اراده چگونه ضرورتی گیرد. فرض کنیم در یک محل ساکت چشمان خود را بسته و با سرعت برداشت ایم. با توجه بآنچه که در گذشت دانیم که قافله احساسات و خاطرات و افکار با عدم نظم و ترتیب و با نقاب هایی که بر چهره زده اند براه می افتد اگر در همین لحظه که روح غافل فعالیت و در یک حالت از خود بیخودی است صدای ناله طفلی را که کسکی طبلید بشنوم بی اختیار از جای می جهیم. در یک لحظه تمام مناظری که بواسطه تسلسل افکار در مغز پدید آمده بودند نادیده می گردد زیرا اراده بیدار شده و با یک فرمان محیط آشفته زمین را منظم کرده و آن را مطلقاً تحت اختیار خود قرار داده است علت این امر چیست - همانطوریکه ورزش باد، تاروبودی را که هنگام خواب ساخته و در آن خشره ای را پدام افکنده است، باوه می کند تولید یک احساس قوی تر نسبت به احساسات دیگر را در ذهن را ز قید آن آزاد می سازد مثال دیگری ذکر می کنم: در اطلاق کار خود نشسته اید و مشغول مطالعه هستید در این حال از خیابان صدای بی منظم سربازان و سرود رزی آنان را می شنود، این اثر با قدرت بیشتری دروا که راحت تاثیر قرار می دهد تاروبود لطیفی که هنگام تفکر در ذهن خود ساخته بودید از هجوم این تحریک شدید ازمم گسته میشود بهیچ جهت در چنین موقعیتی نمیتوانید به تفکر بپردازید. بسیار خوب، اینک ما می دانیم که هر یک یک قوی تر آثار ضعیف دروا که از این بین می برد، از این موضوع استفاده کنیم: در حالی که بی حس و بی حرکت در کنجی افتاده ایم و افکار در هم و نامنظم و نیمه روشن در ذهن ما دور میزند اگر بتوانیم با نیروی اراده تحریک قویتری ایجاد کنیم این حالت خودگی روحی بر طرف خواهد شد. و یا موقعی که تسلسل افکار خسته کننده و بی حاصل ما را آزار میدهد می توانیم آنها را بوسیله ای که ذیلاً خواهیم آموخت نادیده سازیم.

نابود کردن افکار خسته کننده باعث ایجاد آزادی فکری و روحی می شود. قبل از آنکه وسیله بر طرف کردن آشفتنکی ذهن را تذکر بدهم یک نکته دیگر را لازم است در ذهن سازم در موقع پیدایش تسلسل افکار دو حال ممکن است اتفاق بیفتد: حالت اول آنکه از تسلسل افکار خود رنج میبریم ولی در عین حال در مقابل این رنج واکنش (عکس العمل) نشان داده می خواهیم خود را از آن آسوده سازیم.

و اما راجع به حالت دوم: در این حالت تسلسل افکار تولید مناظر و اشباحی می کند که شکل واقعی ندارند و مایل داریم حقیقت این اشباح و مناظر مهم را دریابیم و در معنا و عین آنها بیندیشیم.

در حالت اول چه باید کرد؟

باید در مقابل تاثیرات روحی مولد رنج اثری شدیدتر بکار برد تا توجه سلب شود مثلاً موقعی که از کار فکری خود رنج میبرید لازمست فوراً بکارهای بدنی بپردازید. کار فکری و روحی در حالت اول آنکه تسلسل افکار خسته کننده باعث ایجاد آزادی فکری و روحی می شود. قبل از آنکه وسیله بر طرف کردن آشفتنکی ذهن را تذکر بدهم یک نکته دیگر را لازم است در ذهن سازم در موقع پیدایش تسلسل افکار دو حال ممکن است اتفاق بیفتد: حالت اول آنکه از تسلسل افکار خود رنج میبریم ولی در عین حال در مقابل این رنج واکنش (عکس العمل) نشان داده می خواهیم خود را از آن آسوده سازیم.

و اما راجع به حالت دوم: در این حالت تسلسل افکار تولید مناظر و اشباحی می کند که شکل واقعی ندارند و مایل داریم حقیقت این اشباح و مناظر مهم را دریابیم و در معنا و عین آنها بیندیشیم.

باید در مقابل تاثیرات روحی مولد رنج اثری شدیدتر بکار برد تا توجه سلب شود مثلاً موقعی که از کار فکری خود رنج میبرید لازمست فوراً بکارهای بدنی بپردازید. کار فکری و روحی در حالت اول آنکه تسلسل افکار خسته کننده باعث ایجاد آزادی فکری و روحی می شود. قبل از آنکه وسیله بر طرف کردن آشفتنکی ذهن را تذکر بدهم یک نکته دیگر را لازم است در ذهن سازم در موقع پیدایش تسلسل افکار دو حال ممکن است اتفاق بیفتد: حالت اول آنکه از تسلسل افکار خود رنج میبریم ولی در عین حال در مقابل این رنج واکنش (عکس العمل) نشان داده می خواهیم خود را از آن آسوده سازیم.

که هم قدری گردش کنیم و هم گیلای شراب باهم بنوشیم؟ گفت «هم قطار خیلی متشکر این بار نمیتوانم زیرا هانس تا ساعت نه زودتر نخواهد آمد».

معلوم شد تا وقتی صدای زنك تلفون بلند شود «پیر مرد» در آن کلیه تنها خواهد بود و رفیقش «هانس» نخواهد آمد. از راهی که بطرف «رودرودر» میرفت آهسته آهسته تر متوجه آنکه کلیه از نظر نامید شد آنکه پشت یک درختی پنهان شده و همینکه خوب هوای تاریک شد دوباره بطرف کلیه برگشت تا آنکه صدای آن رسیدیم زیر درخت کهن سالی پشت به کلیه نشستم تا کاملاً هوا تاریک شود صدای آب جویبار از یک طرف و ریزش ملایم باران بر روی شاخسار ها و علف زارها از طرف دیگر کیفیت به نفسی جنگل داده بود که اگر نگران انجام آن کار نبودم دروغ بود که آن سکوت بهت انگیز ولی نشاط افزای طبیعت را ترک کنم و دوباره بوخت کده آدمیان که این همه جنجال و غریو و حشایه آن بر خاسته بود قدم گذارم ولی آنسوس که من نیز خود از جنس همان آدمیان بودم که بخون یکدیگر کشته اند در هر صورت در حین تفکر بیاد داروی بیهوشی افتادم و بخود گفتم شاید بتوانم بیکل آن بطری «پیر مرد» را که از حیت چه ازمم کوچکتر بود از یاد آریم.

اگر باین منظور میرسیم یعنی پیر مرد را ببد داروی بیهوشی از یاد می آوردم خودم مستقیماً می توانستم با جاسوس نامرئی مذاکره کنم، این نقشه خیلی بی پروا بیه نظیر میرسید ولی چندین بار در مغز خود آنرا زیر و رو می کردم ساعت انتظار بی پایان بنظر میرسید یک حالت بیخودی خواب ماندنی بن دست داد که اسلادر آن حال منم کار نمی کرد ناگهان تاریکی نا بهنگانی حواس مرا بخود جلب کرد چون یک باسان نظر کردم دیدم این تاریکی بواسطه ابرهای غلیظ متراکمی است که باسان نظر آسمان را پوشانده است. ساعت طلای منی خود را از جیب بلوز خود بیرون آورد نگاه کرده دیدم ساعت هشت است دوباره ساعت را در جیب خود پنهان کردم چون یک چنان ساعت مملوس ظریفی متناسب با منج دست بکفتر سرباز نبود. پشه ای که باخود آورده بودم در میان

آن شخصی که در پشت دستگاه آن سرخط نشسته بکنفر مرد محترمی است بلباس کشیشان که در عقب خطوط دشمن قرار دارد».

نوشتم «آیا خبرهای زیادی بشما میدهد؟» گفت «همه روزه با ما صحبت میکند اگر انگلیسها از این تعبیه و تمهید ما خبر داشته باشند و بداندند که ما چگونه از مواضع استحکامات و میزان مهمات آنها اطلاع پیدا می کنیم و اگر ما بدست شان بیفتیم خون مارا خواهند خورد»

نوشتم «کدام میکند یکی از شما دو نفر همیشه باید پشت دستگاه باشید و کلیه را خالی نگذارید» گفت «آری معلوم می شود که هوا تاریک می شود پشت دستگاه می آید ولی اگر کار مهمی پیش بیاید در مواقع دیگر نیز ما با صحت میکند ولی من با هانس نظم و ترتیبی در کار قائل شده ایم باین معنی که تویت بین خودمان قرار داده ایم وقتی او به رودرود میرود من کلیه را خالی نمی گذارم وقتی من میروم او می ماند»

یک ساعتی باز بنیبر از میخ آویزان بود تقریباً ساعت پنج بود هوا در ساعت هشت تاریک می شود فکر کردم که مانند در آنجا پیش از این دور از حینا و عقل است. بملاه چون که در همین موقع هانس رفیق این شخص باقیول اهالی ده میر زن برگردد و اوضاع بدتر شود بملاه هنوز تصمیم نگرفته بودم که چه کنم و میخواست تنها باشم تا بتوانم فکر کنم برای آنکه قبل از ورود به کلیه از اطلاعاتی که اکنون بدست آورده بودم آگاه نبودم ولی حال تاحدی از موضوع مطلع شده بودم لازم بودم در یکجای تنهایی باشم که بتوانم فکر کنم یادداشت را برداشته نوشتم «چون موقع رفتن بیمارستان است اجازه می خواهم از خدمت تان مرخص شوم و از مهمان نوازی تان تشکر می کنم و امیدوارم بهیچ زودی مجدداً خدمتتان برسم»

برخاستم و به عصای خود تکیه دادم: «پیر مرد» گفت هر موقع مایل بودید برای بنیبر متشکر میشویم»

جاسوسی های من در جنگ بین الملل

فصل چهارم

گفت «آری در این مورد حق باشماست مارا راحت تر از شما هستیم ولی من بار فیم هانس نیز مدتی در خدمت بزر برد و از زندگانی شما با خبر می بودم و بدینجهت است مدتی در میدان جنگ بودم تا آنکه ناگهان یکمرتبه بیای رسیده که دو نفر تلفونچی خبره خواسته بودند باین شرایط که فوق العاده زیرک و هوشمند و غیر معتاد به نوشابه های الکلی و متین و خوشنود و موقت و صحیح العمل و علاقه مند به کار و دلوز باشند که محتاج به آقا با صلاست باشند»

روای ما میدانستند که این عناصر فقط درمن و رفیقتم هانس موجود است و در میان تمام سربازان بکنفر دیگر پیدا نمیشود که صلاحیت انجام این وظیفه را دارا باشد میدانستند که مثل آن احقما نیستیم که تا سرشان فریاد نزنند نتوانند کاری را انجام دهند. سرباز سروان همیشه بین میگفت تو یکی از بهترین سربازان من هستی. هر وقت مأموریت مهمی داشت فوراً سراغ من میفرستاد زیرا آدم خود را بی شناخت»

باید بغوت و کبرای مخصوصی این حرف را میزد که گویی دارا دل را فتح کرده است. من دوباره یادداشت را جلو کشیده نوشتم «شما مرا نسبت به این کار مهمی که اولیاء امور ما بشما سپرده اند علاقتند نمودید خیلی میل دارم بدانم چیست»

گفت «من شرط می بندم که شما هر قدر با فرست و با هوش باشید نمی توانید حدس بزنید که در آن سر خط تلفن کیست» نوشتم «لابد یکی از افسران بزرگ است چنین نیست؟» گفت «کاری که بین سپرده شده خیلی مهمتر از صحبت کردن با افسران ارشد است»

از ظهر در پاسخ سئوالی که در خصوص رویه
کشورهای متحد امریکا در مورد هندلند از
وی بسل آمد اظهار داشت که دولت امریکا

دیش از يك دورين خوب است
 نور را برای شما تامین میکند
 مغازه یو ایس

